

تجسمی

هنرمند ایرانی در بین نامزدهای
جایزه عالی هنر آسیا



مملی شفاهی در میان ۳۰ هنرمند برگزیده جایزه عالی هنر آسیا قرار گرفت. به گزارش هنر آنلاین، جایزه عالی هنر آسیا در سال ۲۰۰۳ با هدف معرفی بین‌المللی هنرمندان منطقه و در عین حال جمع‌آوری کمک مالی برای برنامه‌های هنری که از کودکان محروم حمایت می‌کنند، راه‌اندازی شد. این جایزه هر سال برگزار و نسبت‌شده‌ترین و معتبرترین جایزه هنری سالانه در آسیا و اقیانوسیه شناخته می‌شود. عده‌ای از هنرمندان معاصر که در میانه دوره کاری خود هستند توسط یک هیات متخصصان هنری انتخاب می‌شوند و از آن‌ها خواسته می‌شود به‌طور آنلاین سه اثر هنری را ارسال کنند. پس از آن یک هیات داور متشکل از کارشناسان هنری در سطح جهانی ۳۰ اثر هنری برتر را از میان طیف وسیعی از تصاویر دیجیتال در فهرست کوتاه قرار می‌دهد. سپس آثار هنری فهرست کوتاه در هنگ‌کنگ به نمایش گذاشته می‌شوند؛ جایی که برای دومین بار مورد داوری قرار می‌گیرند و همچنین مردم به آن‌ها رأی می‌دهند. برنده جایزه بزرگ ۳۰ هزار دلار آمریکا و برنده جایزه رای عمومی ۱۰۰۰ دلار آمریکا دریافت می‌کند. سال ۲۰۲۱ بیش از ۱۷۰۰ اثر از هنرمندان دنیا در مرحله نخست شرکت داشتند. از ایران نیز دو هنرمند و موسسه هنری در مرحله نخست توسط کارشناسان هنری انتخاب شدند تا آثار آن‌ها مورد قضاوت قرار گیرد. مریم کوهستانی، مجسمه‌ساز و هنرمند چندرسانه‌ای و همچنین بنیاد پژمان که با آثاری از مملی شفاهی در این رویداد شرکت داشت. پس از داوری، ۳۰ هنرمند از ۱۷ کشور و منطقه در سراسر آسیا و اقیانوسیه در فهرست کوتاه قرار گرفته و به عنوان نامزدهای نهایی هفدهمین دوره معتبرترین جایزه هنر آسیا انتخاب شده‌اند که مملی شفاهی نیز از ایران به این فهرست کوتاه راه یافته است.

گردشگری

صد سال پیش، «ایران»
شماره ویژه نشنال جئوگرافیک



مجله نشنال جئوگرافیک (به معنای «جغرافیای ملی») نشریه رسمی انجمن جغرافیای ملی است که از سال ۱۸۸۸ میلادی و دقیقاً ۹ ماه پس از آغاز فعالیت انجمن جغرافیای ملی، شروع به انتشار کرد و امروزه یکی از مشهورترین و پراستارترین مجلات مرتبط با علوم طبیعی در جهان است و یکی از پر مخاطب‌ترین مجله‌های دنیا محسوب می‌شود. به گزارش ایسنا، یک قرن پیش در سال ۱۹۲۱ میلادی، مجله نشنال جئوگرافیک شماره ویژه‌ای را همراه با عکس‌های متنوع به سرزمین ایران اختصاص داده بود. این شماره ویژه ۱۶۴ صفحه‌ای شامل عکس‌های گوناگون و جالب توجه از نقاط مختلف و مردم ایران بوده است. عکس‌هایی همچون ورود اولین قطار به تبریز، نمایی از دروازه قرآن و پاسارگاد، میدان نقش جهان اصفهان، و عزاداری محرم در این ویژه‌نامه به چشم می‌خورد. ویژه‌نامه ایران در دو بخش «ایران مدرن و پایتخت آن» و «طرح‌های کاروان‌های ایرانی» از سوی انجمن نشنال جئوگرافیک در واکنش‌گتن دی سی به چاپ رسیده بود و با توجه به گذشت یک قرن از انتشار، نسخه الکترونیکی موجود از آن کیفیت چندانی مطلوبی ندارد اما اطلاعات و عکس‌های گوناگونی از جغرافیای کل ایران و تهران به عنوان پایتخت، اقوام ایرانی و انواع پوشش آنان، کسب و کارهای آن زمان مردم، تکنولوژی‌های به‌روز مورد استفاده، مسیر تحول و تبدیل بیابان‌ها به مناطق شهری، و میدان‌ها و مناطق مهم در بافت شهر و همچنین سبک زندگی ایرانیان ارائه می‌دهد. همچنین گزارشی از صعود به قله دماوند که از آن به عنوان «آلمپ پارسی» (المپ بلندترین کوه در یونان است که جایگاه ویژه‌ای در اساطیر یونانی دارد) نام برده شده، آمده است.

رمان «دویدن در تاریکی»
از ۷۳ بخش کوتاه تشکیل شده است. هر بخش گاهی دنباله‌رو بخش پیشین است و گاه با گسست زمانی خواننده را به گذشته می‌برد. با این حال می‌توان یک مسیر خطی مشخص را برای قصه در نظر گرفت و آنچه گاهی در گذشته و رابر آن منطبق کرد

پیشبرد قصه هستند. خانم منطقی نیز شخصیت خاصی دارد؛ انسانی بسیار عاطفی با زنانگی منحصر به فرد که این مهم با مسیر زندگی و تصمیم‌گیری‌هایش هم‌خوان نیست. بی‌شک نویسنده نیز بر این رویه واقف بوده است و آن را عامدانه در کتاب لحاظ کرده است. تاکید چندباره «جاوید» بر این که لباس مردانه چریکی به خانم منطقی می‌آید (بر خلاف آنچه در گذشته از ظاهر و قواره او توصیف می‌کرده است) و با توصیف‌هایی هم‌چون اندام ظریف او در لباس گشاد مردانه، گواه این مطلب است.

قسمت آخر کتاب که تصویر ذهنی از آشفتنگی شخصیت اصلی کتاب است، پایان بسیار زیبایی بر این رمان است؛ جایی که «جاوید» جمله‌هایی را از زبان افراد مختلف به یاد می‌آورد، جمله‌هایی که اگر چه به ظاهر بسار کلامی پیچیده‌ای ندارند، اما خود در هر قسمت، بر پیشبرد داستان تاثیر گذار بوده‌اند. اینک «جاوید» در آشفتنگی و جنونی بی حد سرگذشت زندگی خود را به یاد می‌آورد، سرگذشتی که حاصل جنگیدن‌های او با بسیار و شکست‌های اوست. «جاوید» اینک در یافته است که هیچ چیز جز عشق نمی‌توانسته است او را نجات دهد و بی‌آن، همه چیز به مثابه دویدن در تاریکی بوده است.

رمان «دویدن در تاریکی» نوشته ناهید شاه‌محمدی توسط نشر حکمت کلمه و در ۳۴۱ صفحه منتشر شده است.

نمی‌تواند فضای عاشقانه را تحت تاثیر خود قرار دهد. این تغییر ناگهانی چیدمانی داستان که با بخش پیشین سنخیت چندانی ندارد، می‌توانست متکی بر شیوه قسمت‌های قبل، بسیار شیواتر و گزنده‌تر باشد. چراکه به نظر می‌رسد بسیاری از حرف‌هایی که نویسنده می‌خواسته است با مخاطب خود در میان بگذرد در این قسمت‌های واپسین طرح‌ریزی شده است.

تاکید نویسنده بر تحصیلات آکادمیک جمعی که اینک جمعیتی مبارز و چریکی را شکل داده‌اند نیز در این مسیر بی‌تاثیر نیست، چرا که هر چند تحصیلات دانشگاهی لازم درک و فهم ایدئولوژیکی آنها نیست اما تاکید فراوانی که در رمان بر رها کردن موقعیت تحصیلاتی چریک‌های ایدئولوژیک وجود دارد می‌تواند به خواننده انگاره‌های دیگری بدهد. کاستن رنگ عاشقانه و نزدیک شدن داستان به خرد و درک موقعیت خواننده، می‌توانست به رمان سروسامان منطقی‌تری بدهد. به هر حال این ۲۳ قسمت پایانی نیز در شیوه به تصویر کشیدن استعارای موقعیت‌های مکانی و با کند شدن مولفه زمان در مواجهه هر منوتیک با ذهنیت عاطفی شخصیت اصلی کتاب، به مخاطب این امکان را می‌دهد که به مخاطب خود نزدیک‌تر شود.

زبان روایی رمان بسیار شیوا و روان است و گفتگوها بسیار حساب شده و در خور زمانی خوب. داستان بی‌هیچ کم و کاستی بیان می‌شود و سرعت پیشبرد داستان به خواننده این اجازه را می‌دهد که به خوبی با کتاب ارتباط برقرار کند.

یکی دیگر از ویژگی‌های این رمان، حضور پررنگ شخصیت‌های مرد در موتیف‌های متفاوت است. می‌توان گفت تمام تلاش نویسنده در شخصیت‌پردازی کاراکترهای مردانه‌ی داستان است و در مقابل آن‌ها علی‌رغم آن که نویسنده رمان زن است، اما شخصیت‌های زن بجز خانم منطقی هیچ‌کدام مورد پرداخت شخصیتی قرار نمی‌گیرند و همگی تنها ابزارهای جانبی در

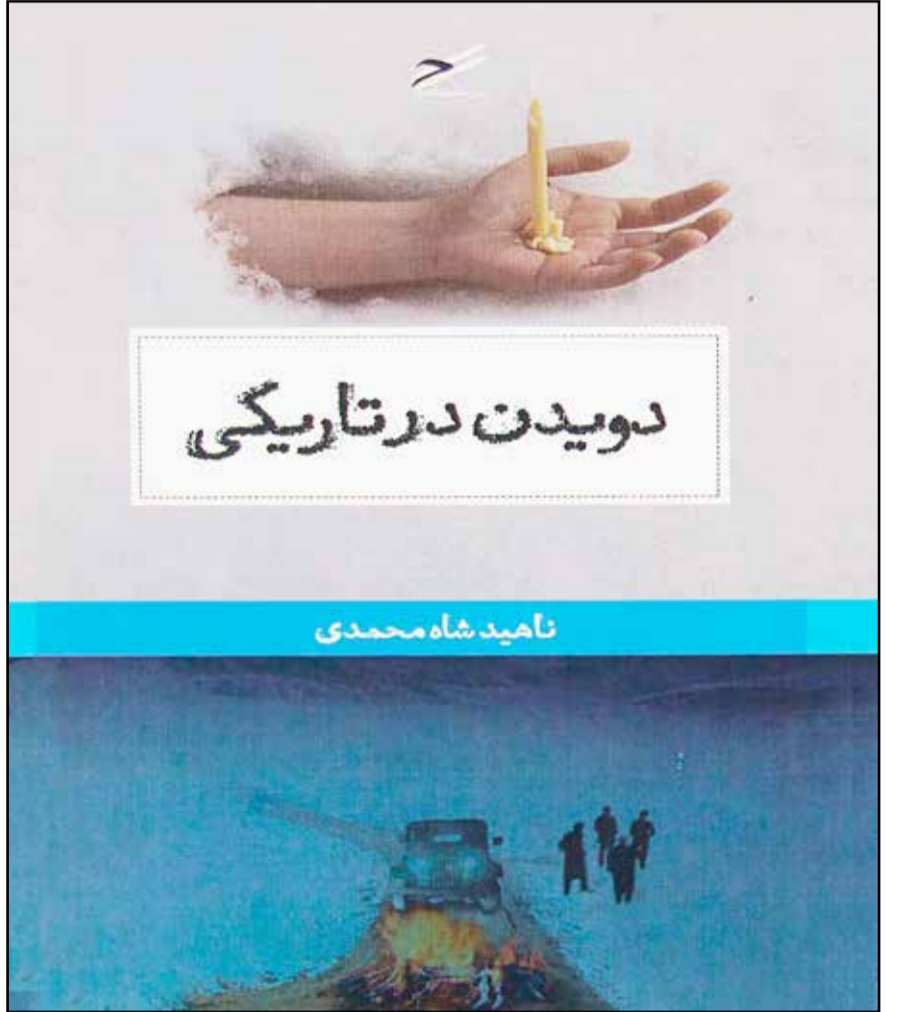
می‌دهد که داستان پر فراز و فرود و حادثه‌های بسیار آن را از زاویه‌های مختلف ببیند. گاهی یک حادثه از زبان چند شخصیت بیان می‌شود و هر بیان، نکته‌هایی را به خواننده می‌رساند که او را از زاویه جلومی‌اندازد.

پس می‌توان گفت در این رمان خواننده از زاویه جلوتر و آگاه‌تر است و نویسنده با چیدمان خود از هر دو جلوتر، چرا که به خواننده خود این امکان را داده است که از خرد خود برای تحلیل و قضاوت اتفاق‌ها بهره بجوید. به گمان بنده در ۵۰ قسمت ابتدایی کتاب، این ویژگی نقطه‌ی عاطفی است، داستان در میان قشری از جامعه پیش می‌رود که از نظر سطح فرهنگی و سواد اجتماعی متوسط رو به پایین هستند. بنابراین هیچ یک از شخصیت‌ها نمی‌توانند برای بازگو کردن آنچه می‌تواند روح حقیقت نهفته در داستان باشد نقشی محور را ایفا کنند. اما نویسنده با کنار کشیدن خود و عدم خلق یک شخصیت خاص، مطابق آنچه معمولاً در رمان‌ها می‌بینیم، این بار با شناور کردن داستان میان چندین روایت‌کننده، خواننده را در مقام درک داستان قرار می‌دهد. این کار با رفت و آمدهای زمانی نیز توأم است که خواننده داستان را درگیر کننده‌تر نیز می‌کند. در ۲۳ قسمت انتهایی کتاب اما این سواکه موفق نویسنده دستخوش تغییر می‌شود. تعداد راوی‌ها به سه شخصیت کاهش می‌یابد که دوتای آنها اصلی هستند و تنها یکی از آن‌ها است (راوی اصلی: جاوید).

زمان و قصه‌گویی کاملاً خطی می‌شود و آن فراز و فرود پر حادثه جای خود را به یک روایت عاشقانه می‌دهد. هر چند این عشق با رنج، فضا سازی رئالیسم جادویی چریکی و دلهره همراه است اما هاله‌ای عاشقانه کاملاً بر داستان سیطره می‌یابد و همه چیز را تحت تاثیر خود قرار می‌دهد. حتی شخصیت اصلی که این بار در شرایطی قرار گرفته است که با خواننده کتاب‌های فراوان ایدئولوژیک و راهنمایی‌های هم‌راهان تحصیل کرده‌اش به انسانی فرهیخته مبدل شده است،

سوی دیگر در این کتاب با تعدد راوی مواجهیم که این دو مقوله در کنار هم اثر قابل تامل می‌کند. برای آن که بتوان دقیق‌تر سخن گفت، کتاب را به دو بخش تقسیم می‌کنم؛ ۵۰ قسمت نخست و ۲۳ قسمت انتهایی.

در ۵۰ قسمت ابتدایی کتاب، داستان بصورت شناور از زبان چندین شخصیت، نقل می‌شود. همانطور که ذکر شد، یک خط داستانی و یک شخصیت در محور اصلی داستان هستند و راوی‌های دیگر و رمزگشایی‌هایی که در یک از ۷۳ قسمت کتاب، متعلق به یکی از این شخصیت‌هاست و بسته به این که این شخصیت روایت‌کننده در کجای کتاب و در چه موقعیتی لب به قصه‌گویی می‌گشاید، زمان رمان دستخوش تغییر می‌شود. از



سوی دیگر در این کتاب با تعدد راوی مواجهیم که این دو مقوله در کنار هم اثر قابل تامل می‌کند. برای آن که بتوان دقیق‌تر سخن گفت، کتاب را به دو بخش تقسیم می‌کنم؛ ۵۰ قسمت نخست و ۲۳ قسمت انتهایی.

در ۵۰ قسمت ابتدایی کتاب، داستان بصورت شناور از زبان چندین شخصیت، نقل می‌شود. همانطور که ذکر شد، یک خط داستانی و یک شخصیت در محور اصلی داستان هستند و راوی‌های دیگر و رمزگشایی‌هایی که در یک از ۷۳ قسمت کتاب، متعلق به یکی از این شخصیت‌هاست و بسته به این که این شخصیت روایت‌کننده در کجای کتاب و در چه موقعیتی لب به قصه‌گویی می‌گشاید، زمان رمان دستخوش تغییر می‌شود. از

سوی دیگر در این کتاب با تعدد راوی مواجهیم که این دو مقوله در کنار هم اثر قابل تامل می‌کند. برای آن که بتوان دقیق‌تر سخن گفت، کتاب را به دو بخش تقسیم می‌کنم؛ ۵۰ قسمت نخست و ۲۳ قسمت انتهایی.

سوی دیگر در این کتاب با تعدد راوی مواجهیم که این دو مقوله در کنار هم اثر قابل تامل می‌کند. برای آن که بتوان دقیق‌تر سخن گفت، کتاب را به دو بخش تقسیم می‌کنم؛ ۵۰ قسمت نخست و ۲۳ قسمت انتهایی.

سوی دیگر در این کتاب با تعدد راوی مواجهیم که این دو مقوله در کنار هم اثر قابل تامل می‌کند. برای آن که بتوان دقیق‌تر سخن گفت، کتاب را به دو بخش تقسیم می‌کنم؛ ۵۰ قسمت نخست و ۲۳ قسمت انتهایی.

سوی دیگر در این کتاب با تعدد راوی مواجهیم که این دو مقوله در کنار هم اثر قابل تامل می‌کند. برای آن که بتوان دقیق‌تر سخن گفت، کتاب را به دو بخش تقسیم می‌کنم؛ ۵۰ قسمت نخست و ۲۳ قسمت انتهایی.

سوی دیگر در این کتاب با تعدد راوی مواجهیم که این دو مقوله در کنار هم اثر قابل تامل می‌کند. برای آن که بتوان دقیق‌تر سخن گفت، کتاب را به دو بخش تقسیم می‌کنم؛ ۵۰ قسمت نخست و ۲۳ قسمت انتهایی.

سوی دیگر در این کتاب با تعدد راوی مواجهیم که این دو مقوله در کنار هم اثر قابل تامل می‌کند. برای آن که بتوان دقیق‌تر سخن گفت، کتاب را به دو بخش تقسیم می‌کنم؛ ۵۰ قسمت نخست و ۲۳ قسمت انتهایی.

سوی دیگر در این کتاب با تعدد راوی مواجهیم که این دو مقوله در کنار هم اثر قابل تامل می‌کند. برای آن که بتوان دقیق‌تر سخن گفت، کتاب را به دو بخش تقسیم می‌کنم؛ ۵۰ قسمت نخست و ۲۳ قسمت انتهایی.

تئاتر

پرونده جنسی کوین اسپیسی و شش اتهام سنگین

بن‌بست ابدی پیش روی ناجی تئاتر اولدویک

پرونده اتهامات جنسی کوین اسپیسی، ستاره سینما و البته از غول‌های تئاتر انگلستان به نقطه تاریکی رسیده است. روز گذشته، نشریه هالیوود ریپورتر در گزارشی از قطور شدن پرونده این بازیگر و مدیر سابق تئاتر خبر داده است. برنده دو جایزه اسکار این روزها به سبب اتهامات جنسی بیکار است؛ اما وکیل او معتقد است این هنرمند بیگناه است. این وکیل این روزها در سه چالش حقوقی در حال مبارزه است. کوین اسپیسی طبق شکایات مطرح شده، با شش ادعای تجاوز جنسی در فاصله سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۱۳ روبرو است. بخش مهمی از این اتهامات به یک دهه فعالیت کوین اسپیسی در تئاتر اولدویک

بازمی‌گردد که موجب احیای تئاتر شده بود. کوین اسپیسی در دوره حضورش در اولدویک با چهره‌های شاخصی چون ارل جونز، ونسارد گریو و سم مندز فعالیت کرده بود. یافته‌های بخش سوءاستفاده از کودکان و توهین‌های جنسیتی اسکاکنند یارد، پلیس انگلستان به سرویس پیگرد قانونی ارائه شده است که تصمیم می‌گیرد آیا اتهامات اعلام‌شده علیه اسپیسی جنایی است یا خیر. سه سال و نیم پیش آنتونی رپ، بازیگر پیش‌تازان فضا مدعی شد کوین اسپیسی در سن ۱۴ سالگی او را مورد تعرض قرار داده است. از آن تاریخ پرونده اسپیسی به یک از مهمترین پرونده‌های جریان #MeToo بدل شده است. اتهام دیگر کوین اسپیسی

از سوی فردی ناشناس اقامه شده است که ناشناس ماندن فرد مذکور به یکی از اعتراضات گروه حقوقی اسپسی بدل شده است. با این حال هنوز قاضی پرونده راپ و فرد ناشناس - که به عبارتی اختصاری C.D. معرفی شده است - رأی‌ای صادر نکرده است. مشکل اسپسی زمانی بغرنج‌تر می‌شود که در پرونده حقوقی او نام افراد در گذشته نیز دیده می‌شود. شاکلی در گذشته مدعی شده بود اسپسی در سال ۲۰۱۶ او را مجبور به لمس بدنش کرده است. با مرگ این ماساژور در گذشته پرونده به سبب عدم حضور او مختومه اعلام شده است. این ماساژور

یکی از سه شاکلی اسپسی است که پس از اقامه دعوی در گذشته است.



آرتور آری بهن دیگر شاکلی اسپسی است که او را متهم به تعرض در زمان برگزاری کنسرت جایزه نوبل کرد. این شاکلی روز کریسمس خودکشی کرد. اوایل همان سال، لیندا کالکین پرستار، اسپسی را متهم به حمله جنسی به پسر خردسالی کرد که بیمار این پرستار بوده است. کالکین در یک سانحه رانندگی در حومه بوستون درگذشت. درباره فعالیت‌های این روزهای اسپسی شایعاتی بسیاری وجود دارد. هالیوود ریپورتر مدعی شده است اسپسی این روزها در نزدیکی اولدویک، تئاتر محبوبش زندگی می‌کند و قرار است روی کتابی با نام مستعار کار کند. اسپسی که روزی گفته بود «اگر پشت شما به دیوار باشد یا احساس می‌کنید راهی پیش رویتان نیست، در هر شرایطی، به شما قول می‌دهم راهی وجود دارد»، به‌نظر به یک بن‌بست ابدی نزدیک می‌شود.